

## تحلیل تاریخی فراز و فرود دانش اعجاز قرآن کریم؛

### مطالعه موردی قرن سیزدهم هجری

حمید حاجی اسمعیلی اردکانی<sup>۱</sup>

کمال صحرایی اردکانی<sup>۲</sup>

احمد زارع زردینی<sup>۳</sup>

نجف یزدانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶، صفحه ۱۳ تا ۳۴ (مقاله پژوهشی)

#### چکیده

با آنکه سخن از اصطلاح اعجاز قرآن کریم از اواخر قرن سوم هجری رایج شده اما طی قرن‌ها تحولاتی را شاهد بوده است به گونه‌ای که پس از افول همه جانبه در قرن دوازدهم، از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری به تدریج مسیر رشد را می‌پیماید که در آن عوامل مختلف فردی و اجتماعی در بستر تاریخ تاثیرگذار بوده است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و کمک گرفتن از منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از رویکرد تحلیل تاریخی، مولفه‌های مهم موثر در روند دانش اعجاز قرآن کریم بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که نهاد دین در خروج از رکود به وجود آمده در مباحث اعجاز قرآن کریم، نقش آفرین بوده است به گونه‌ای که نهضت احیای دینی شکل گرفته و منجر به حقارت زدایی قابل تامل در جامعه مسلمان در مقابل علم پرستی حاکم بر نهاد سیاست جهانی شده است. اما می‌توان گفت نقشی که توسط نهاد جهانی سیاست علم زده به جغرافیای جهان اسلام تحمیل شده در این دگرگونی تاثیر بیشتری داشته به گونه‌ای که دانش اعجاز قرآن کریم به سمت جریان تعریف شده توسط این نهاد، متمایل شده و نهاد سیاست علم زده، نهاد دین را به انفعال در برابر خود واداشته است، گرچه این انفعال، عملاً به قرن بعد رفته اما سرآغازی برای تحولات دیگر شده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، دانش اعجاز، تاریخ تحلیلی، قرن سیزدهم.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول):

hhajismaeeli@chmail.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران: sahraei@meybod.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران: zarezardini@meybod.ac.ir

۴. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران: yazdani@meybod.ac.ir

## ۱- درآمد

اعجاز قرآن کریم، از جمله مسائلی است که در قرآن کریم با کلیدواژه هایی چون آیه، نشانه و بینه از آن یاد شده و عموماً با مساله تحدی همراه بوده است. (مودب، ۱۳۷۹ش، ۸) اما سخن از اصطلاح اعجاز قرآن کریم که در طول زمان به دانشی نو پدید بدل شده، پیشینه ای متعلق به انتهای قرن سوم و ابتدای قرن چهارم هجری دارد. (کریمی نیا، ۱۳۹۹ش، ۱۲؛ جعفرزاده کوچکی، ۱۳۹۵ش، ۸۰) از هنگام ایجاد اصطلاح اعجاز قرآن کریم و دانش مربوط به آن، این مفهوم تغییرات مختلفی یافته که در یک سیر تاریخی می توان آن را بررسی و تحلیل کرد.

در این سیر، مساله اعجاز از جهات مختلف کمی (یعنی میزان پرداختن به مباحث اعجازی) و کیفی (یعنی عمق و تنوع پرداختن به مباحث مذکور) دچار تحولات گوناگون شده است. از نیمه های قرن سیزدهم، شاهد رشدی عمدتاً کیفی در مباحث اعجاز قرآن کریم هستیم که باید دلیل آن را بررسی کنیم. با بررسی این پدیده و تحلیل چرایی شکل گیری، فراز و فرود این اصطلاح و ابعاد آن به نقش شرایط فردی، اجتماعی، سیاسی و علمی حاکم بر مولفان و فضای بحث پی می بریم که خود، به دلایل دیگری انجامیده و باعث ایجاد جریان یا جریان های غالب در یک عصر شده است. لذا بررسی این سلسله دلایل در یک «روی کرد تاریخی - تحلیلی»، مورد توجه قرار گرفته است.

تحلیلی که در آن «تاریخ پژوه»، به سوی یافتن واقعیت پدیده پیش می رود و می کوشد تا پدیده مورد بحث را آن گونه که در گذشته رخ داده فهم کرده و به تصویر بکشد. توجه به یافته ها و داده های حاصل از بررسی پدیده ها برای دست یابی به علل مختلف از اهداف این تحلیل است. گرچه در این حوزه به «تحلیل تاریخی» (Historical Analysis) به عنوان یک ابزار هم توجه می شود و این تحلیل می تواند دیدگاه های مختلف استفاده کنندولی این مساله، «تاریخ تحلیلی» (Analytical History) یا «روی کرد تحلیل به تاریخ» (Analysis in history) نیست. (واسعی، ۱۳۸۵ش، ۸).

بنابراین، این روی کرد تا حد زیادی، در مقابل «تاریخ نقلی» (History quoted) است. در واقع، مورخ تحلیلی می کوشد تا برخلاف مورخ نقلی - که تنها به ذکر مقولات اکتفا می کند - داده (Data) های تاریخی واقعی تر را ارائه کرده و بتواند داده ها را به اطلاعات (Information) تبدیل کرده و از آن معرفت (knowledge) به دست آورد. (عسگری کیا، سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۷ش، ۲۲) و در فرآیندی منطقی، به معنای واقعی به مفهوم آنالیز (Analysis)، نزدیک شود. معنایی که در آن تجزیه کل به اجزاء کوچک تر و رفتار استقرایی (Inductive)، اهمیت دارد و لذا یک تحلیل گر

تاریخی به جزئیات قابل تامل و کارا توجه می‌کند. (همان، ۲۴) اما این همه نباید وی را از احاطه کامل بر کل موضوع، غافل کند. آنچه بیان شد، از ضرورت‌های نظری بحث مورد نظر در اعجاز قرآن کریم است که تا کنون به طور دقیق به آن پرداخته نشده است.

ولی از آن جا که با ساختارهایی به نام نهاد (Social Institution) بخش مهمی از تحولات اجتماعی به انجام می‌رسد و در تحلیل تاریخی، استفاده از این مفهوم، مهم است، لذا تعریف مختصری از آن مطلوب خواهد بود. به این ترتیب می‌توان نهاد را: «ساختارها و سازوکارهای نظم و همکاری- مانند آداب و رسوم و الگوهای رفتاری و در مواردی موسسه یا سازمان اجتماعی دانست که رفتار گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین رهبری می‌کنند». نهادها، از طریق اهداف، پایداری اجتماعی، زندگی‌ها و مقاصد افراد انسانی باز شناسی شده و با ساختن و تقویت قواعد، رفتار افراد را در مناسبات اجتماعی هدایت می‌کنند. (کوئن، ۱۳۷۶ ش، ۱۵۱) از این میان می‌توان به نهادهایی اصلی چون دین، سیاست، خانواده و اقتصاد، اشاره کرد. (فلاح زاده، ۱۳۹۷ ش، ۴)

## ۲- طرح مسأله

همان گونه که بیان شد، سیر تاریخی اعجاز قرآن فراز و فرودهایی در کمیت و کیفیت داشته است به گونه‌ای که در طی برخی از دوره‌ها- مانند قرون پنجم و ششم- رشد قابل توجهی هم از جهت کیفیت و هم از جهت کمیت داشته و در برخی دوره‌ها- مانند قرون دهم و یازدهم- رشد این دانش، عمدتاً به صورت کمی بوده و در برخی موارد- مانند نیمه اول دوره مورد بحث در این مقاله- رشد این دانش، افول نسبی داشته است. گرچه از نیمه دوم این قرن، رشد کیفی قابل توجهی را شاهدیم و این رشد در قرن چهاردهم از جهت کمی و کیفی به حد بالایی رسیده و سرانجام در قرن معاصر، به تعادل می‌رسد. در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود با پی‌گیری سیر تحول فراز و فرود معنای اصطلاحی و مصادیق اعجاز قرآن کریم، از ابتدای قرن سیزدهم هجری تا ابتدای قرن چهاردهم، نشان دهیم که سویه‌های مهم توجه به مباحث اعجازی از دیدگاه تحلیلی چه بوده است؟ مهم‌ترین زمینه‌های فردی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی در تحول دانش اعجاز قرآن کریم در طی دوران مذکور، کدام است؟ از میان سویه‌های غالب کدام یک بیش از دیگری برتری داشته و چگونه این برتری ایجاد شده و بر سویه‌های دیگر، تاثیر گذار بوده و یا از آن تاثیر پذیرفته است؟ بررسی این موارد

---

۱- توجه به دیدگاه استقرایی و بررسی جزئیات مرتبط در مواردی چون شرایط زمانه مؤلف، تاریخ نگارش متن، زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن، استادان مؤلف، معاصران او و ریشه‌های اندیشه یا مکتب فکری نویسنده خود را نشان می‌دهد. برای اطلاعات بیشتر رک: واسعی، علیرضا، (۱۳۸۷ ش)، «تاریخ تحلیلی به مثابه روش با تأکید بر اندیشه ابن خلدون»، نامه تاریخ پژوهان، زمستان، شماره ۱۶

و سوالات دیگر مرتبط، ما را به زمینه های رشد کمی و کیفی مباحث اعجازی در قرن سیزدهم راه‌نمایی می‌کند و می‌توان از خلال این مباحث فهمید که چگونه برخی زمینه های مذکور به رشد کمی و کیفی دانش اعجاز کمک کرده است. به گونه‌ای که برخلاف تصور رایج، این واقعیت را نشان دهد که روند تغییر در پرداختن به مباحث اعجازی، از نیمه دوم این قرن نسبت به قبل شروع شده و این مساله ریشه دار بوده است. امری که چندان به آن پرداخته نشده و مغفول مانده است و می‌تواند برای آینده مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که هر تغییری، یک شروع اساسی و مقدماتی دارد که اگر منفی باشد، باید از ابتدا بر آن غلبه و اگر مثبت باشد، باید به شناخت و تقویت آن کمک کرد تا روند تغییرات، به سمت اعتلاء و رشد مثبت باشد و این مساله از شناخت درست مبداء شکل‌گیری یک تغییر، می‌تواند قابل شناخت بوده و به برخی سوالات مانند چرایی طوفانی بودن حرکت اعجازی در قرن چهاردهم، جواب دهد.

اما با بررسی های انجام شده در منابع فیزیکی و مجازی، پژوهشی به صورت عملی و مشابه این موضوع که بتواند به سوالات بالا پاسخ دهد، یافت نمی‌شود. البته در آثاری چون *اعجاز قرآن*، *تاریخ و تحلیل* تألیف محسن قاسم پور، ۱۳۹۰ش و *فکره اعجاز القرآن* از نعیم الحمصی ۱۴۰۰ق و *سیر تاریخی اعجاز قرآن* از سید حسن سیدی، ۱۳۹۲ش مباحثی تاریخی وجود دارد که بیش از آن که تحلیلی و بر بستر روند شناسی و جریان شناسی باشد، تاریخ نقلی بوده و از نگاه تحلیلی منظم، فاصله دارد.

بنابراین برای جریان شناسی منطقی تحولات دانش اعجاز قرآن در قرون گذشته و از جمله قرن حاضر نگارش منظمی که عوامل موثر بر تطور نگارش در این دانش را با تحلیل تاریخی برای دانش پژوهان این رشته به تصویر بکشد، وجود ندارد، علاوه بر آن که دانستن عوامل مؤثر بر تطور و فراز و نشیب‌های دانش اعجاز قرآن به عنوان یکی از مهم‌ترین عناوین علوم قرآنی، کمک شایانی به درک درست مخاطبان تخصصی این رشته برای «تاریخ اعجاز قرآن کریم» کرده و می‌تواند پاسخ‌گوی برخی مسایل و ابهامات باشد. در این بررسی ابتدا با روش اسنادی و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری داده‌ها اقدام شده و با اتخاذ رویکرد تفسیری و تحلیل تاریخی به دنبال آن هستیم که بدون پیش‌داوری (ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ۵۰-۵۱؛ ابوالمعالی، ۱۳۹۱ش، ۱۳۳) ابتدا به توصیف و سپس به تحلیل نگارش های مهم اعجازی در قرن سیزدهم بپردازیم. در این راستا، پس از صد عوامل موثر، به صورت قیاسی، به شیوه‌ای تحلیلی میزان تأثیرگذاری منابع در دانش اعجاز قرآن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۳. سیر تاریخی فراز و فرود دانش اعجاز قرآن کریم

با استناد به نکات مذکور در بالا، می‌توان به سیر تحولات تاریخی دانش اعجاز قرآن با تعریف اصطلاحی یعنی «خرق عادت و یژه و بی بدیل الهی که موجب اثبات نبوت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله شده است»<sup>۱</sup>، اشاره کرد.

بنابراین از توجه به شواهد تاریخی، برهه‌های جداگانه در فراز و فرود کمی و کیفی دانش اعجاز به چشم می‌خورد، برهه‌هایی که از عدم استفاده اصطلاحی معنای اعجاز قرآن کریم در قرون اول تا اوایل قرن چهارم و سپس استفاده فراوان و با قدرت در قرن پنجم و ششم، شروع و به قرن اخیر می‌انجامد اما در مورد بازه مورد نظر، پس از رکود به تمام معنا در قرن دوازدهم؛ حدوداً از اواسط قرن سیزدهم، ورق برگشته و مباحث تا انتهای قرن و سپس قرون آینده با تغییری افزایشی در کمیت و کیفیت ادامه می‌یابد. در واقع، نقطه شروع تحولات دو قرن بعد، از اواسط قرن سیزدهم بود. اکنون به بررسی دقیق‌تر این موارد از قرن سیزدهم به صورت توصیفی و سپس تحلیلی می‌پردازیم:

#### ۱-۳: توصیف وضعیت رکود در مباحث اعجازی؛ ابتدای قرن سیزدهم

در ابتدای این دوره، شاهد سیر نزولی و انفعالی آثار اعجاز قرآن کریم در جهان اسلام هستیم. توضیح آن که پس از قرن یازدهم افول در تعداد نگاشته‌های اعجازی و نو و عمیق نبودن مباحث را به وضوح می‌بینیم به گونه‌ای که نویسندگان، اعجاز و مسایل مرتبط را عادی و بدون نیاز به توضیح می‌دانند. شاهد این مطلب را می‌توان اصل حاشیه نگاری بر تفاسیری چون *بیضاوی و کشاف* بدون ذکر مسایل مربوط به اعجاز و اندک بودن همین حاشیه‌ها و عدم ذکر حداقلی مباحث اعجاز در تفاسیر روایی معروفی چون *صافی و نور الثقلین* دانست. (الحمصی، ۱۴۰۰ق، ۱۹۲)

از سویی در قرن دوازدهم - و در نیمه دوم این قرن - حکومت صفویان یعنی نهاد مهم حکومت و سیاست که تاکنون عامل و حامی مولفات گوناگون و لو غیر ابتکاری بوده است، به پایان می‌رسد. این فروپاشی نقش مهمی در رکود نگاشته‌های علوم قرآنی حتی به صورت تقلیدی دارد و طبعاً اثر اعجازی در این قرن، نیز بسیار کمتر دیده می‌شود. (جعفریان، ۱۳۷۸ش، ۱۲؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ۴۰۰) از سویی دولت عثمانی نیز از آن قدرت گذشته افول کرده است و این مساله مانند ضعف صفویان، بر نگارش‌های اعجازی اثر گذاشته است. (شمیم، ۱۳۷۴، ۲۰)

---

۱ - این تعریف اصطلاحی از میان جمیع تعریف‌های مهم دانش‌مندان در طول قرون مختلف انتخاب شده به گونه ۱۷ ای که جامع و مانع باشد.

شاهد بر مطلب فوق آن که آثار تقلیدی و کم فروغی که در این قرن به صورت ضمنی به اعجاز قرآن پرداخته‌اند- مانند آثار احمد بن محمد بن کواکبی (د ۱۱۲۴ق) و شمس الدین محمد الضیرمالکی اسکندری (د ۱۱۴۹ق) - همچنان مخطوط مانده و به چاپ نرسیده است. (همان، ۴۱) به هر حال، غرض در این جا، بیان اصل افول نگارش آثار اعجازی است که در کنار آن به ذکر دلیلی از دلایل این فرود وافول اشاره شده است تا ضمن آشنایی با فضای بحث، زمینه برای علت یابی های دیگر، فراهم شود.

این روند رکود در آغاز قرن سیزدهم هم، امتداد می‌یابد تا جایی که مانند دوره قبل، به سه اثر اصلی و غیرمستقل در مورد اعجاز قرآن کریم، برمی‌خوریم، دو اثر ابتدایی، یکی از شوکانی (د ۱۲۵۰ق)، محدث، مفسر، فقیه و قاضی القضاة اهل سنت و صاحب تفسیر *فتح القدير* و دیگری شارح شافعی مذهب آثار او ابوالطیب صدیق بن حسن خان قنوجی (د ۱۳۰۷ ق) است اما این دو، نوآوری چندانی ندارد و سخن گذشتگان را، تکرار می‌کنند؛ شوکانی ابعادی از اعجاز قرآن را در جلد ششم می‌آورد که تماماً تکراری است، ابعادی چون بلاغت، عدم تناقض، اعجاز غیبی و تأثیری (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۶ و ۲۸۴) و قنوجی نیز در *نیل المرام* به آیات الاحکام به صورتی موجز پرداخته و تنها اشاره‌ای مختصر به مباحث اعجاز در ابعاد ادبی و محتوا می‌کند. (قنوجی، ۱۴۱۴ق، ۱۴-۱۳) همین گونه است تفاسیر *وجیز و وسیط* (*الجواهر الثمین*) و *کبیر* (*صنفوه التفاسیر*) سیدعبدالله بن محمد رضا علوی حسینی معروف به ۱۸ شبر (د ۱۲۴۲ق)، خصوصاً در تفسیر *وسیط* و *کبیر*، که با مطالبی تکراری، مروری از گذشتگان در مورد اعجاز - از تعریف وجوه و ابعاد آن - را متذکر می‌شود. (شبر، ۱۴۱۲ق، ۹۰ و همو، ۱۳۸۵ش، ۱، ۱۲-۱۱) به هر حال در امتداد این سه که به نوعی پیرو گذشتگان بوده‌اند، اثری مستقل یافت نمی‌شود که نشان از رکود کمی و کیفی در این زمینه دارد تا آن که رکود کیفی، در نیمه دوم قرن مورد بحث با تک نگاری کوتاهی از محمد حسن موسوی اصفهانی (د ۱۲۶۳ق) با عنوان *رساله وجیزه عزیزه فی اعجاز القرآن المجید* شکسته می‌شود.

وی، رساله‌ای کوتاه درباره اعجاز قرآن، با عنوان «رساله وجیزه عزیزه فی اعجاز القرآن المجید»، نوشته و در آن چگونگی نگارش اثرش را شرح می‌دهد که در سفر تهران - که برای کسب علم و فضیلت انجام شده - از چگونگی مانند ناپذیری قرآن از او سؤال می‌شود؛ سوال کننده می‌گوید: «از جمله وجوه اعجاز که همه پیشینیان و پسینیان بدان تأکید کرده‌اند، بلاغت قرآن است و بلاغت رعایت متقاضی حال است با فصاحت کلام و گفته‌اند که بلیغ‌ترین آیه قرآن آیه «يَا أَرْضُ اْبْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ اَقْلَعِي...» (هود، ۴۴/۱۱) است، ما نیز همین مضمون را می‌توانیم در قالب واژگان فارسی و جمله‌های عجمی بریزیم. چگونه است که آن معجزه است و این نیست؟!» (اصفهانی، بی تا، ۴)

اصفهانی جوابی کوتاه و سپس جوابی بلند می‌نویسد و به این ترتیب، رساله وی شکل می‌گیرد. او ابتدا از وجوه اعجاز سخن می‌گوید و سپس تأکید می‌کند که مهم‌ترین و شامل‌ترین وجه اعجاز، اعجاز بلاغی و بیانی آن است و آن‌گاه این وجه از اعجاز قرآن را به اختصار و سپس به تفصیل بیان می‌کند. (همان، سراسر اثر)

گرچه این وجه از اعجاز قرآن کریم، قبلاً مورد توجه واقع شده اما در این قرن، گویی در اثر مهم شدن مساله اعجاز، نویسنده می‌خواهد دوباره این موارد را «بازآفرینی» کرده و با زبان خودش، رساله‌ای مختصر و موجز بنگارد. بنابراین هم این رساله، کاری برای «ماندگاری» است و هم «بازآفرینی» مباحث اعجازی.

شاید بتوان علت نام‌گذاری این رساله را اشاره دیگری برای مساله بازآفرینی و موج ایجاد شده مرتبط در آن روزگار، دانست چرا که کلمه «وجیزه» را می‌توان به موجزه تغییر داد یعنی رساله‌ای موجزه که «عزیزه» یعنی شکست‌ناپذیر است. در واقع نام‌گذاری این کتاب به رساله وجیزه عزیزه فی اعجاز القرآن المجید یعنی مولف می‌خواهد رساله‌ای موجز اما مستقل بنگارد که ضمن اتقان، شباهت را به خوبی جواب داده و به اصطلاح یصح السکوت باشد. مشخص می‌شود که تحولی شکل گرفته و مولف می‌خواهد به نحو احسن، «پاسخ‌گو» باشد و لذا ترتیبی اتخاذ می‌کند که هدفش محقق شود. امری که در ابتدا به آن اشاره می‌شود. (همان، ۲)

به علاوه در آثار غیر مستقلی چون تفسیر *توشیح التفسیر* از میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی (د ۱۳۰۲ ق) - معروف به صاحب *قصص العلماء* - مقدمه‌ای علوم قرآنی نگاشته شده که رگه‌هایی از نوآوری به خصوص در تعریف اعجاز و تلاش برای جمع‌آوری وجوه و پرداختن بیشتر به مبحث اعجاز علمی دیده می‌شود. (اصفهانی، بی تا، صص ۹۲-۹۲؛ تنکابنی، ۱۴۱۸ق، ۲۸-۳۲؛ دیاری، ۱۳۸۷ش، ۴۶) در همین راستا می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف: میزان مطالب اعجازی - خصوصاً مربوط به اعجاز علمی - در توشیح التفسیر از تفسیر معروف و بزرگ آلوسی (م ۱۲۷۰ق) یعنی روح المعانی، بیشتر شده و نگارش اثر مذکور نیز، بعد از «روح المعانی» بوده که مولف حوالی ۱۲۹۰ ق آن را به پایان رسانده است. بنابراین کار تنکابنی، یک گام به جلو محسوب می‌شده است.

ب: شاید بتوان از نظراً استقلال در مفهوم، اثر محمد حسن موسوی اصفهانی را پیروتر از اثر توشیح التفسیر دانست اما کتاب موسوی اصفهانی به نوعی «فتح باب» جدیدی در این امر بوده است. گرچه شاید تصور بر آن باشد که تفسیر بزرگ آلوسی در این دوران گرایش بیشتری به مباحث علمی یافته است. خصوصاً آن‌که وی در مقدمه تفسیر می‌نویسد که از دوران کودکی به دنبال کشف اسرار قرآن

کریم بوده است و از همان ابتدا بازی کودکی و شور نوجوانی، خواسته های آن زمان را کنار گذاشته و تا جوانی در این امر مطالعه کرده و توفیق الهی او را یار شده است و البته قبل از ۲۰ سالگی به دفع اشکالات و شبهاتی پرداخته که بر ظاهر قرآن وارد کرده بودند و حاصل آن «دقائق التفسیر» شده است. این فکر در او ادامه داشته تا در رجب سال ۱۲۵۲ هجری، در رؤیا دیده که خداوند به او امر نموده که آسمان وزمین را طی نماید، او نیز در خواب، آسمانها را طی می کند و در حالی که دستی بر آسمان و دستی بر آب داشته، بیدار می شود. در پی تعبیر خواب به این نتیجه رسیده که مراد خواب، لزوم تألیف تفسیر است. پس از آن در ۱۶ شعبان همان سال در سن ۴۳ سالگی در عهد سلطان محمود خان نوشتن را آغاز و در چهارم ربیع الثانی سال ۱۲۶۷ هجری به اتمام می رساند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱، ۱۲) ولی پس از بررسی نسبت مطالب اعجازی خصوصاً مربوط به اعجاز علمی، مشاهده می شود که این اثر نه در کمیت و نه در کیفیت، نمی تواند بر مقدمه توشیح التفسیر، برتری یابد. بنابراین تفسیر آلوسی را نمی توان فتح بابی در این زمینه از جهت کیفیت یا کمیت دانست. لذا در این قرن ابتدا می توان کتاب رساله و جیزه را به عنوان فتح باب بر شمرد و سپس به جد و با اطمینان، توشیح التفسیر و مقدمه آنرا بر کار آلوسی مقدم دانست.

اما قبل از این دو، اثر قابل توجهی از جهت کمی و کیفی وجود ندارد. این سخن با جستجوی فراوان در منابع مختلف، به دست آمده تاجایی که عمده قریب به اتفاق آثار دانش ۲۰مندان این قرن، ارزیابی شده است. برای اطلاعات بیشتر می توان به مقاله «مجادلات مذهبی قرن سیزدهم هجری: با تا کید بر تبریز بر اساس چند نسخه خطی»، (۱۳۹۸ش) جعفریان، رسول، آینه پژوهش، دوره ۳۰، شماره ۱۷۶، و دانش نامه و یکی فقه، مقاله «علمای قرن سیزدهم»، (۱۳۹۲ش) واقع در پایگاه رایانه ای و یکی فقه<sup>۱</sup> و همان مقاله در دانش نامه اسلامی موجود در پایگاه رایانه ای<sup>۲</sup> آن مراجعه کرد.

### ۳-۱-۱: تحلیل عوامل رکود مباحث اعجازی در ابتدای قرن سیزدهم

اما در استمرار و ماندگاری شرایط رکود در ابتدای قرن سیزدهم عوامل مختلف زیر را می توان دخیل دانست، عواملی که باعث عدم توجه به مباحث علمی به طور کلی و از جمله مباحث اعجازی خواهد بود مثلاً با رواج اختلافات سیاسی و مذهبی داخلی و عدم تمرکز سیاسی؛ این امر تشدید می شود. عدم توجه به مباحثی مانند اعجاز قرآن کریم به خاطر فعالیت مداوم صوفیه که قرآن و متن آن را هم مقبول می دانسته اند نیز قابل توجه است و در نهایت عدم توانایی کافی مقابله علماء و نهاد دین در مقابل هجوم وارد شده از سوی صوفیه و نهاد سیاسی علم زده حاکم بر

۱ - مشاهده شده در <http://wikifeqh.ir> ۱۴۰۰/۸/۸

۲ - مشاهده شده در [wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com) ۱۴۰۰/۸/۸



مراودات جهانی و حکومت های ضعیف و وابسته داخلی، رکود در طرح کمی و کیفی مباحث اعجازی را به حد بالایی رسانده بود. اینک هر کدام از عوامل مذکور را به تفصیل بررسی می کنیم:

### ۳-۱-۱: اختلافات عمیق و عدم تمرکز سیاسی در جهان اسلام

یکی از عوامل رکود علمی و از جمله عدم توجه به مباحث اعجازی در نیمه اول قرن سیزدهم را باید اختلاف های عمیق داخلی در کشورهای اسلامی خصوصاً ایران و عثمانی - به عنوان دو ابر قدرت سابق - میان عنا صر فرهنگی و تبلیغی دانست تا جایی که امکانات آن ها، صرف مبارزات مختلف اعم از رفع اتهامات درونی و یا مصروف منازعات و مجادلات مذهبی، شده است. (شمیم، ۱۳۷۴ش، ۲۲؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ۲۰۸) از سویی در این قرن و تا آغاز جنگ های ایران و روس، ایران به مدت یک قرن، داشته های زیادی را در ابعاد مختلف از دست داد. (جعفریان، ۱۳۹۸ش، ۳) به علاوه طبیعی است در کشوری که مرکزیت سیاسی آن، به عنوان نهاد مقتدر سیاست، دچار اختلال شده، فقر اقتصادی، فراگیر شده و نیروی انسانی مولد آن، کاهش جدی یافته، نمی توان سامان فکری - فرهنگی مناسب را انتظار داشت. (همان، ۴)

این وضعیت به تضعیف روز افزون مجموعه ها و عنا صر فکری - مذهبی، منجر شده و از سوی دیگر می تواند عاملی برای رشد تفکرات دیگر برای جانشینی باشد. همین امر را نیز در قلمرو امپراطوری رو به زوال عثمانی می توان یافت که دیگر از حمایت های دولت قدرتمند عثمانی از جامعه مذهبی و دینی مانند شیخ الاسلام ها خبری نبود. (لوئیس، بهار، ۱۳۶۵ش، ۱۷۴) امری که از تعداد نگاهشده های علوم قرآنی به طور عام و مولفات اعجازی به طور خاص، کاست.

### ۳-۱-۲: استمرار فعالیت سیاسی و علمی صوفیه

از سویی تصوف سیاسی - که در دو دولت صفوی و عثمانی رواج یافته بود - نیز، هم ۲۱ چنان در این دوران به فعالیت خود ادامه می دهد و شاید بتوان علت اصلی آشفتگی در ابتدای این قرن را پس از ضعف نهاد سیاسی موجود، اقدامات انجام شده توسط این نهاد دانست؛ امری که در قرون متاخر از دولت صفویان شکل گرفته است. (همان) طبعاً این آشفتگی، مانند عامل پیشین تاثیر خود را در مولفات علوم قرآنی و در اینجا اعجاز قرآن خواهد گذاشت.

همان گونه که بیان شد، این حرکت سیاسی تنها در مورد حکومت صفویه نبوده، بلکه در دولت عثمانی هم حضور دارد تا جایی که طریقه های مختلف صوفیه، به خصوص «بکتاشیه»، تأثیر به سزایی در گسترش قلمرو عثمانی داشتند. (ولایتی، ۱۳۹۱ش، ۹۱ - ۹۴؛ سلانیکلی، ۱۳۸۹ش، ۸۴ - ۸۲) به طور کلی در این دوره، صوفیه گرایش به فعالیت سیاسی در سرتاسر جهان اسلام دارد لذا در این دوران نیز شاهد مقابله با مذهب تصوف توسط حکومت - علی رغم ضعف در ساختار سیاسی - هستیم؛ یعنی

مذهب غیر رسمی موجود در جامعه که از نظر اقتدار اجتماعی و سیاسی در رقابت با مذهب رسمی حکومت است. بنابراین علمای رسمی دین یعنی همان نمایندگان روحانیت، برخورد مستقیمی با صوفیه همچون گذشته داشته اند.<sup>۱</sup> با این تفاوت که دیگر از حمایت رسمی حکومت خبری نیست و لذا، طبیعی است که فعالیت آنان، تاثیر قبل را نخواهد داشت. اما این کار، علماء دین را از پرداختن به مسائلی درون دینی و مذهبی مانند بحث اعجاز قرآن کریم، باز می‌داشت.

از طرفی در نوشته های جدیدتر این عده، روش های افراطی در تفسیر به ظاهر عرفانی را نیز داریم که در آن معتقدند به طور کلی علم مضر است و کسی که علم صرف، نحو و لغت می‌داند، مساوت قلب پیدا می‌کند. در این راستا عده ای باور دارند که اساسا در میان صوفیان به اندیشه های انسان و فرآورده های فکری کمتر اهمیت داده می‌شود و حتی تلاشی مستمر از سوی ایشان برای نشان دادن ناتوانی انسان در فهم و درک واقعیات وجود دارد. (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹ش، ۳۳۳-۳۳۴؛ قاسم پور، ۱۳۸۱ش، ۲۲) این نوع نگرش یعنی تاثیر صوفیه با ابزار نگاه شده های جدید، نیز، تاثیر منفی در مباحث عقلی، فکری و اعتقادی در مورد قرآن کریم گذاشته و به تبع آن مباحث علوم قرآنی خصوصا مباحث اعجاز در محتوای قرآن کریم، با افول بیشتری روبرو شده است. مباحثی که باید از دل تفاسیر و به صورت منطقی و عقلی حاصل شود.

در چنین شرایطی، طبعاً راهی برای نوآوری و خلاقیت در عرصه نگاه شده های علوم قرآنی و اعجاز، وجود ندارد چرا که از طرفی عمده فعالیت علماء با وجود عدم حمایت حکومت، به مقابله با صوفیه، مصروف می‌شود و این مساله، آن قدر جدی است که مجالی برای پرداختن به بحث اعجاز و اثبات حقانیت قرآن باقی نمی‌ماند. مساله ای که قبلاً نیز بر آن تاکید شد. از طرفی صوفیه مذکور، اصل قرآن را انکار نمی‌کردند و این مساله سمت بحث را از مباحث مربوط به اعجاز، تغییر می‌دهد؛ مباحثی که در آن صوفیه می‌کوشد، فکر و فهم را تعطیل کند.

---

۱ - تلاش ۲۲هایی مانند نوشته های کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری (د ۹۱۰ق)؛ صاحب جواهر التفسیر و تفسیر عروس یا تفسیر زهراوین، مواهب علیه و روضه الصفا فی مقتل الحسین علیه السلام و کتاب تحفه الاختیار تالیف ملا محمد طاهر قمی (م ۱۱۰۰ق) از علمای قرن دهم و یازدهم هجری در دوران صوفیه، امام جمعه شهر قم و از علمای معاصر مجلسی اول و دوم، به زبان فارسی در نقد ورد عقائد صوفیه، از آن جمله اند. برای اطلاعات بیشتر ر ک: آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، طبقات اعلام الشیعه (۱۴۳۰ق)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، جلد چهارم

### ۳-۱-۱-۳: تلاش کم فروغ علماء دین - شیعه و اهل سنت - برای بازیابی قدرت

گرچه پس از شکست ایران در جنگ‌های اول روسیه و ایران و از دست دادن بخش عظیمی از نقاط مرزی، در اثر بدرفتاری و خشونت روس‌ها با ساکنان آن نقاط، در داخل ایران موجی ایجاد شده و به صدور «رساله‌های جهادیه» از سوی علماء منجر می‌شود. (قائم مقامی، ۱۳۲۶ ش، ۱۲؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ۸۰) و باز هم اثر دین و مذهب در تضعیف یا تقویت سیاست و حکومت، ظهور می‌کند؛ اما این قدرت‌نمایی در مقایسه با گذشته کم فروغ است. این مساله در مورد مذهب شیعه بیشتر خود را نشان می‌دهد چرا که در این دوره، هنوز دولت عثمانی - علی‌رغم ضعف - بر بخش وسیعی از سرزمین‌های اسلامی حکومت می‌کند و نسبت به مذهب اهل سنت، متعصب بوده و باشیعه، خصومت دیرینه دارد، تا آن‌جا که فتوای «شیعیان از اسلام خارج و قتل آنان واجب است» را از علمای خود می‌گیرد. (قائم مقامی، همان، ۲۰؛ عقیقی بخشایشی، همان، ۸۲) اما در مقابل، حکومت قوی شیعی در این دوران وجود ندارد.

بنابراین ضعف حکومت در قلمرو شیعه در مقابل قدرت نهاد حکومتی اهل سنت، ضربه بیشتری را در ازای عوامل پیش گفته به جامعه شیعه تحمیل می‌کند. گرچه دین شیعی، هم در قالب رساله‌های جهادیه و هم در قالب دفاع از مکتب، تلاش کرده تا قدرت‌مند شود و از آن سو، نهاد حکومت دینی سنی یا حکومت عثمانی نیز در صدد حفظ و گسترش قدرت خود بوده است، اما این تلاش‌ها به قوت گذشته - عمدتاً به دلیل ضعف حکومت مرکزی - نبوده است. این مساله، اثر خود را در عدم تمرکز بر روی نگاه‌شده‌های اعجازی به طور مشخص روشن می‌کند.

### ۳-۱-۱-۴: تلاش نهاد سیاسی علم زده برای کسب قدرت از شرق

علاوه بر نهاد دین شیعی، سنن، آداب مذهبی و فرهنگ عمومی هم سد استواری در قبال نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب ایجاد می‌کرد. استعمارگران یعنی نهاد قدرت سیاسی و اقتصادی، با استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم - مانند تجهیز حکومت‌های وابسته (اسدعلی زاده، ۱۳۸۱ ش، ۱۲)، سعی کردند تا به نام تجدّدگرایی، گروهی از مردم این سرزمین را، شیفته زندگی غربی کرده و سپس به یاری همین عده به تحقیر ارزش‌های مورد احترام مردم، پرداخته و آنان را نسبت به عقاید، آداب و سنن خود بی‌اعتناء کرده، احساس حقارت تو سط مفهوم پیشرفت در مقابل عقب ماندگی را تقویت و در مسیر اجرای این روش، در کشورهای اسلامی، بارهبران دینی و پیشوایان مذهبی، مبارزه عمیقی را آغاز کنند. زیرا همان گونه که مشاهده شد، اصل مشکل و سدره قدرت استعماری آنان، همین تفکر دینی و سردمداران این تفکر یعنی روحانیت بودند. اشاعه تفکر دینی یا لائیسزم، «جدایی دین از سیاست» یا همان سکولاریزم، دین‌سازی، تهمت زدن به روحانیت و ... از جمله

تلاش‌های آنان بود و مجریان دانسته یا نادانسته این برنامه‌ها، گروهی از «روشن‌فکران» بودند که در راه انجام مأموریت خود، چیزی را مقدس نمی‌دانستند. (رفیعی، ۱۳۹۹ش، ۹۰؛ علی‌زاده، ۱۳۸۰ش، ۳۰) آنان در راه ایجاد شکاف و نفاق در بین صفوف مسلمین، ابتدا در داخل ایران، به مذهب ودین‌سازی - که نمونه‌های آن ذکر شد- کمک کردند تا از این راه بتوانند با نام مذهب ودین، علیه دین اصیل قیام کنند و از سوی دیگر قداست کلی مذهب را به عنوان یک پدیده الهی، خدشه‌دار کرده و از طرفی در عرصه جهانی روابط مسلمین، منازعات مرزی و احیانا اعتقادی و مذهبی به وجود آوردند مثلاً در سودان، «قادیانی‌گری» و در جزیره العرب و نجد، «وهابی‌گری» و در ایران «بهائی‌گری» را شایع کرده و رهبران آنها را مورد حمایت قرار داده و جهان اسلام را تحت دو عنوان: «تشیع» و «تسنن»، در مقابل هم قرار دادند. تلاشی که بیش از کوشش نهاد دین بود. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳ش، ۱، ۲۰؛ جعفریان، ۱۳۸۵ش، ۹؛ شمیم، ۱۳۷۴ش، ۱۳۰). این تشنت و مبارزه با نهاد دین، اثر خودش را در توجه به قرآن و دانش‌های مرتبط بروز داد و این روند طبعاً در دانش اعجاز قرآن کریم - که بیشتر برون دینی بود - اثرات منفی خود را گذاشته و باعث رکود آن شد.

### ۳-۱-۱-۵: اختلافات مربوط به حجیت ظواهر قرآن یا عدم حجیت آن و مساله تحریف

علاوه بر مسایل بالا، مساله حجیت و عدم حجیت ظواهر قرآن کریم نیز در این قرن مطرح شده که از جمله نتایج بروز و سیطره فکری اخباری‌گری به حوزه اندیشه شیعه در حدود قرون دهم و یازدهم است. (مهدوی راد، ۱۳۸۴ش، ۲۱) این مساله، باعث رکود جدی در مباحث دیگر از جمله مباحث اعجاز قرآن کریم شده است. چرا که از پیامدهای منفی اخباری‌گری غربت و مهجوریت قرآن، عدم اعتبار عقل و رکود اندیشه، ورود خرافات و اسرائیلیات به مذهب تشیع، غفلت از سنت نبوی صلی الله علیه و آله و نادیده گرفتن نقش مرجعیت و رهبری دینی بود. (حبیبی، ۱۳۹۳ش، ۱۲) و طبعاً این مساله، بر روی مباحث اعجازی خصوصاً در جامعه شیعه، اثرگذار خواهد بود. از سویی، تهمت‌های اهل سنت در عدم پای‌بندی علمای شیعه، به قرآن به عنوان منبعی اصلی و وفاداری بیشتر اهل سنت هم مزید بر علت بود. آنان از مصادیق عدم توجه شیعیان به قرآن را، تطبیق آیات با احادیث به جای تطبیق روایات با قرآن، نادیده گرفتن معنای صریح آیات، خارج شدن از معنای ظاهری می‌دانستند. (لطفی، ۱۳۹۸ش، ۱۸) در مورد مساله تحریف قرآن نیز، اختلافات این عصر، تاثیرگذار است چرا که اصل ثابت بودن کتاب و اثبات آن را هدف قرار می‌دهد و لذا نوبت به اعجاز آن نخواهد رسید. مساله‌ای که در میان شیعه و سنی مشترک بود. (فرجی، ۱۳۹۸ش، ۲) از طرفی به گونه‌ای مساله تحریف و عدم تحریف کتاب الهی با مساله حجیت و عدم حجیت مرتبط است چون

کسی که باورمند به تحریف در قرآن کریم است، ظواهر کتاب را دارای حجیت نمی‌داند. (مهودی راد، ۱۳۸۴ش، ۴۰)

### ۳-۱-۲: تحلیل عوامل مذکور و شناخت عامل اصلی

با جمع بندی عوامل بالا می‌توان دریافت که ضعف حکومت دینی یا نبود آن تا چه اندازه موثر در ابعاد مختلف و از جمله کار علمی زیان زننده است، به گونه‌ای که این ضعف در بخش اعظمی از جغرافیای اسلامی به اختلاف و کشمکش داخلی و دخالت خارجی توسط حاکمان سیاسی علم زده انجامید، نهادی که با ایجاد فرقه های گوناگون، اختلاف افکنی میان بخش های مختلف اجتماعی و در نهایت ضعیف نگه داشتن حکومت مرکزی دینی یا سکولارسازی آن، تلاش های علمی را کم اثر ساخته و در راه کمک به علمای راستین جهت مدیریت درست اوضاع فرهنگی و اجتماعی، سنگ اندازی می‌کرد. شرایطی که فضا را برای عرض اندام فرقه هایی چون صوفیه فراهم ساخت و میزان توجهات به مولفات مربوط به اعجاز قرآن کریم را کما و کیفا به حداقل رساند. با توجه به موارد بیان شده می‌توان ابتدا تا نیمه قرن سیزدهم را برای مباحث مورد توجه ما، زمان رکود دانست.

اما پیشرفت‌های ظاهری در علوم، مباحث اقتصادی و البته تحقیر مسلمین توسط استعمارگران و... (نفیسی، ۱۳۹۷ش، ۲۸) کم‌کم رهبران اسلامی و سپس مسلمانان را به فکر تحول و نوآفرینی در عرصه‌های علوم قرآنی و مباحث مربوط به استفاده از مباحث اجتماعی، سیاسی و در نهایت علمی قرآن کریم انداخت که در قالب مواردی چون اعجاز تشریحی، اعجاز اجتماعی<sup>۱</sup> و اعجاز علمی خود را نشان داد. روندی که بیش از همه در قرن چهاردهم خود را نشان داد اما از نیمه دوم قرن سیزدهم، آغاز شده بود.

---

۱ - اعجاز اجتماعی، مساله ای است که از دل تفسیر اجتماعی بیرون آمد و کم‌کم در قرن چهاردهم به بار نشست. در تعریف اعجاز اجتماعی باید گفت: قرآن کریم در زمینه مسایل اجتماعی نظریه ها و دیدگاه‌هایی را مطرح کرده که قبل از قرآن کریم سابقه نداشته و با عقل و فنون آن روز قابل دست یابی نبوده و بعد از مدت‌ها به آن پی برده شده است. برای اطلاعات بیشتر رک: اعجاز قرآن در سنت‌های اجتماعی، ایروانی، جواد؛ حسینی زیدی، سید ابوالقاسم؛ قرآن و علم پاییز و زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۱۳ رتبه علمی-ترویجی (وزارت علوم) ISC ۲۶ صفحه - از ۷۱ تا ۹۶)؛ اعجاز اجتماعی قرآن با تأکید بر قوانین جامعه شناسی، آقایی، محمد رضا؛ قرآن و علم بهار و تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۸ ISC (۲۸ صفحه - از ۷۷ تا ۱۰۴) و نیز الإعجاز الاجتماعي فی القرآن الکریم، المکرانی، عبدالجلیل؛ المصباح، خریف ۱۴۳۳ق، العدد ۱۱ (۱۸ صفحه - از ۲۴۳ تا ۲۶۰)

### ۳-۲: توصیف نیمه دوم قرن سیزدهم؛ نیمه تلاش و ابتکار

پس از رکود در کیفیت و کمیت آثار اعجازی، در اثر عوامل ذکر شده می‌توان حرکتی نسبتاً صعودی اما سرنوشت ساز در کیفیت آثار مربوط به اعجاز قرآن کریم و بیش تر به صورتی محتوایی را ابتدا در اثر کوتاه محمد حسن موسوی اصفهانی (د ۱۲۶۳ ق) با عنوان *رساله وجیزه عزیزه فی اعجاز القرآن المجید* و بیش از آن در مقدمه‌ای علوم قرآنی بر تفسیر «توشیح التفسیر» از میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی (د ۱۳۰۲ ق) با اشاره‌ای به مباحث مربوط به اعجاز به صورت محتوایی و در مباحث علمی (اصفهانی، بی تا، صص ۹۲-۹۲؛ تنکابنی، ۱۴۱۸ ق، صص ۲۸-۳۲؛ دیاری، ۱۳۸۷ ش، ۴۶) یافت، امری که به گونه‌ای ضمنی در تفاسیری چون تفسیر آلوسی بغدادی (م ۱۲۷۰ ق) به آن اشاره شده بود. این مساله نهایتاً در اثر مستقل *الاسرار النورانیة* محمد بن احمد اسکندرانی دمشقی (د ۱۲۹۹ ق) به اوج می‌رسد. علت آوردن قید نسبتاً صعودی به خاطر وجود واستمرار تفکر قبلی در آثار افرادی چون شیخ اسماعیل حقی کوتاهی (د ۱۲۲۰ ق) معروف به اولیاء زاده است که در *مفتاح التفسیر*، به تفصیل، وجوه گذشته را دسته بندی می‌کند. (الحمصی، ۱۴۰۰ ق، ۲۰۳) همین گونه است آثار ضمنی در مورد قرآن در کتاب *الایقان فی اعجاز القرآن*، از محمد کریم خان کرمانی (د ۱۲۸۸ ق) از بزرگان شیخیه که در ضمن مجموعه الرسائل در ۱۳۵۴ ش در کرمان (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸ ش، ۱۲) مطرح شده است، مساله‌ای که می‌تواند مویدی بر ادعای پیش گفته مبنی بر تاثیر صوفیه و مولفات عرفانی بر کیفیت مباحث اعجازی باشد.

اما اسکندرانی، به وضوح و مستقلاً در کتاب *الاسرار النورانیة*، آیاتی درباره آفرینش آسمان‌ها و مراحل شکل گیری زمین آورده و هدفش را از ذکر این آیات اثبات قدرت خداوند می‌داند. (الاسرار النورانیة، ۱۳۸۹ ق، ۱۲۲-۱۴۸) وی هدف از تألیف این کتاب را اثبات این نکته می‌داند که خداوند قرآن را نازل کرده است؛ چون در آن فواید و اسراری است؛ یعنی برای بیان شگفتی‌های آفرینش برای بشر تا ایمان آورند؛ لذا وی هدف از نزول قرآن و ذکر مسائل علمی و کیهانی را ایمان آوردن مردم می‌داند. نتیجه دیگری که وی می‌گیرد اینکه مؤمن اندیشه‌ورز - که اسرار آفرینش و عظمت آفریننده را درمی‌یابد - از مؤمن نادان بهتر است. (همان).

مشاهده می‌شود که تعبیرات و مباحث به کار رفته توسط او نسبت به گذشتگان، نشان از حرکتی جدید و متفاوت دارد. حرکتی که می‌توان آن را آغازی پر قدرت - نسبت به دو اثر قبلی یعنی رساله وجیزه و مقدمه توشیح التفسیر - برای پرداختن به مباحث اعجاز در محتوا اعم از اعجاز علمی و البته اجتماعی دانست. - آغازی که بعدها در آثار محمد بن طنطاوی جوهری (د ۱۳۵۸ ق) و افراد

دیگر باحرارت و به انگیزه های گوناگون دنبال شده است. (رک: نفیسی، ۱۳۹۷ش، ۲۹؛ پاکتچی، ۱۳۸۹ش، ۲۲؛ رافعی، ۲۰۰۵م، ۹۰؛ سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۵۹-۱۴۷)

### ۳-۲-۱: بررسی تحلیلی عوامل رونق نسبی مباحث اعجاز در نیمه دوم قرن سیزدهم

در ادامه تغییرات در پرداختن کمی و کیفی به مباحث اعجاز قرآن کریم، نیمه دوم این قرن را به نسبت نیمه اول با رونق بیشتر خصوصاً در کیفیت آثار، مشاهده کردیم که در ایجاد آن می توان به عوامل زیر به اختصار اشاره کرد، عواملی که به ترتیب اهمیت، ذکر شده اند:

### ۳-۲-۱-۱: جنبش احیاء گری دینی توسط علماء دین

در میانه شرایط ذکر شده، به عنوان اولین برخورد، افرادی چون سیدجمال الدین اسد آبادی (م ۱۲۷۵ش) عالم روشن فکر تقریب گرا و معترض به استعمارگری انگلیس، راه چاره عقب ماندگی و رخوتی را که مسلمانان به آن دچار شده بودند، را در «احیاء گری دینی» یافته و در این راستا، دست به اقدام زدند و این یعنی نقش مهم دین و شخصیت های دینی که با کمک پیروان، هم فکران و علماء دیگر، امری تاثیر گذار را شکل داده بود. هدف سیدجمال و یارانش آن بود که مسلمانان ضمن حفظ هویت دینی و پای بندی به سنت و ارزش های فرهنگی خود، از دست آوردهای جدید علمی و فن آوری هم بهره مند شوند. (صاحبی، ۱۳۷۵ش، ۱۸۴)

او قرآن کریم را منبعی مقدس و دربردارنده تمامی نیازهای زندگی بشری می دانست و معتقد بود در صورت فهم درست قرآن، می توان دریافت که مضامین آن کاملاً با عقل انطباق دارد. با تکیه بر این اصل، او معتقد بود که فهم از قرآن باید متحول و با پیشرفت های دانش بشری هماهنگ شده و بتواند در زندگی جدید، در کنار تأمین نیازهای معنوی، به انسان مسلمان کمک کند تا زندگی این جهانی خود را نیز پیش برد. (همان).<sup>۱</sup> این موج احیاء گرانه در کشورهای اسلامی - البته پس از مدتی تلاش و مبارزه - موجب بازگشت به قرآن شد تا سازگاری معرفت دینی و معرفت علمی شکل گیرد. بنابراین اثر این موج احیاء گری و «فتح باب» را در سه اثر پیشگام ذکر شده - یعنی ر ساله و جیزه، مقدمه توشیح التفسیر و الاسرار الانورانیه - در عبارات و نوع نگرش، دیده می شود.

### ۳-۲-۱-۲: نهضت حقارت زدایی

اکنون در نیمه دوم قرن سیزدهم، تلاشی نهضت گونه برای حقارت زدایی و رفع نگرانی، آن هم توسط نهاد مهم دین، ایجاد شده و نهایتاً مسلمانان را به فکر فرو برده تا در مورد موقعیت خود بیاندیشند و به احتمال نیاز تغییرات در خود، توجه کنند. شاهد می شود که نهاد قدرت ۲۷ مند دین

---

۱ - شاید بتوان این قسمت را هم در بخش «نهضت حقارت زدایی» - که در ادامه می آید - گنجانید اما نوع حرکت و تلاش امثال سید جمال، یکی از انواع متمایز و قدرت مند آن است و لذا این مساله، به صورت جداگانه مطرح شد.

شیعی و سنی در این قرن، سرانجام راهی نو درپیش می‌گیرد و سعی می‌کند به جای اصرار برگزیده، مسیری جدید باز کند، گرچه عده‌ای به احساس حقارت و عقب ماندگی اندیشیدند اما گروهی نیز سعی کردند، برداشت و روش برداشت خود را اصلاح کنند. آنان از خود سوال کردند که آیا واقعا در حال عمل به دستورات واقعی اسلام هستیم و آیا سنت‌های رایج ما، خود اسلام است؟ آیا نمی‌توان برداشتی بهتر و متناسب‌تر از قرآن کریم داشت؟ (نفیسی، ۱۳۷۹ش، ۹۰؛ محدثی، ۱۳۸۸ش، ۷۸)

به این ترتیب می‌توان چگونگی اثرگذاری زمینه‌های اجتماعی در ترویج علوم قرآنی و بحث اعجاز قرآن را فهمید؛ جایی که سعی شد تا با نگاهی جدید از آیات قرآن کریم برداشت‌هایی برای زندگی بهتر و پاسخ‌گویی از قرآن و مباحث محتوایی آن محقق شود. یعنی سمت و سوی مباحث اعجازی، از مباحثی مانند اعجاز ادبی، به اعجاز در محتوای قرآن - در این جا علمی و اجتماعی - منصرف شده است. این جاست که مفسران و دانش‌مندان علوم قرآنی از آیات قرآن مطالبی را می‌فهمند که قبلا متوجه آن نبودند. مثلا در تفسیر آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹)» در گذشته مفهومی آخرتی برداشت می‌شد و اکنون مفهومی دنیایی برداشت می‌شود که انسان، نسبت به میزان سعی و تلاشی که دارد پیش‌رفت می‌کند. همین طور است آیه شریفه: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵۵)» که در گذشته آن را برای پیش‌بینی ظهور حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر می‌کردند و نه بیشتر؛ ولی در دوره‌های اخیر از آن در «اصلاح طلبی اجتماعی» استفاده می‌شود و دائما بر این مساله تاکید می‌شود که مردم باید حرکتی در جهت بهبود زندگی خود انجام دهند (پاکتچی، ۱۳۸۶ش، ۹۰) در واقع این نهضت - ولو ضعیف - را دین ایجاد کرده و سامان داده است، نهضتی که بعدا به ایجاد گونه‌ای از اعجاز با عنوان «اعجاز اجتماعی قرآن» از دل تفسیر اجتماعی، دامن زده است. نمونه دیگر این حرکت را باید در انگیزه نگارش کتاب *توشیح النہ سیر* از تنکابنی دید که در مقدمه، غرض از تالیف را اثبات اعجاز قرآن و معجزه گون بودن آن می‌شمارد و در ادامه ضمن برشمردن برخی از وجوه اعجاز، به جامعیت علوم در قرآن اشاره می‌کند که به زعم او تا کنون در تفاسیر دیگر نیامده و نشانه عظمت قرآن است. (تنکابنی، بی تا، ۸ و ۱۰).

### ۳-۲-۱-۳: رکود اختلافات و ادعاها در جریان‌های مذهبی خصوصا جریان عرفانی

می‌توان گفت که در این دوره زمینه آماده می‌شود تا وارد قرن جدید و تحولات بسیار منتج از آن شویم که بر توجه به اعجاز علمی و محتوایی قرآن کریم - یعنی اعجاز در محتوا و نه لفظ - می‌افزاید؛ زیرا توجه به مباحث افراطی عرفانی از طریق تامل و عدم استفاده از ابزارهای چون ادبیات



و عقل چندان مورد توجه واقع نشده (حسین زاده، ۱۳۸۴ ش، صص ۹۲-۹۰؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳ ش، ۳، ۳۰۰؛ شمیم، ۱۳۷۴ ش، ۱۳۲) و از سویی مساله اختلاف بر سر حجیت و عدم حجیت ظواهر قرآن کریم و تحریف قرآن نیز به پایان خود نزدیک می شود. (مهجوی راد، ۱۳۸۴، ص ۲۲) این مساله، راه را برای توجه به مباحث مبنایی و البته محتوایی، آماده می کند.

### ۳-۲-۱-۴: استمرار تلاش حاکمان سیاسی علم زده

در نیمه دوم این قرن نیز، تلاش نهاد مذکور- یعنی همان مجموعه نهادهای جهانی که قدرت های تاثیر گذار بر روی حکومت های وابسته بوده و هستند- در ابعاد مختلف چون ترویج تفکر «بی دینی» و «جدایی دین از سیاست»، تهمت زدن به روحانیت و... به شدت ادامه داشت. (علی زاده، همان) گرچه دوره فرقه سازی و فرقه گرایی گذشته بود و این فرقه ها و دین های ساختگی، انتظارات سازندگان را چندان برآورده نکرده بودند. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳ ش، ۱، ۹۰) اما به هر حال تلاش های نهاد مذکور در ابعاد دیگر، با قدرت استمرار داشت، امری که خود، انگیزه ای برای ادامه کار پرشتاب- البته نسبت به قبل- متولیان دین بود و اثرات خود را در اواخر قرن سیزدهم گذاشت.<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۲: جمع بندی و شناخت عامل اصلی

از بررسی عوامل بالا، می توان به نقش نهاد دین در بازگشت و رونق نسبی مباحث اعجاز قرآن کریم آن هم در بعد محتوایی پی برد، چراکه ایجاد یک نهضت برای پایان حقارت زدایی بیش از همه، کار نهاد دین بود و جنبش احیاء گری دینی نیز از طرف کسانی مطرح شد که خود از علمای دین محسوب می شدند. در این میان عواملی مانند توسعه عرفان به شیوه منطقی و با استفاده از روش های علمی نیز مزید بر علت بود، امری که در اثر پای مردمی عامل دین حاصل شده بود و عوامل دیگر را تحت الشعاع قرار می داد. این اقدام نهاد مذکور، عامل بازگشت به دین شده و به تبع آن- در راستای تفکر اصلاح گری دینی- ننگاشته های علوم قرآن و خصوصاً مباحث محتوایی مربوط به اعجاز قرآن کریم با شدت بیشتری منتشر می شود. امری که در آثار پیش گفته رگه هایی از آن را می توان دید و در نهایت این قرن، می توان در آثار محمد بن احمد اسکندرانی دمشقی، به وضوح

---

۱ - البته ظهور بهائیان در این قرن به نوعی باعث توجه بیشتر به مباحث اعجاز علمی در آینده شد چرا که توجه رشاد خلیفه؛ دانش مند مصری به اعجاز عددی و تاکید او بر عدد نوزده به عنوان عدد مقدس بهائیان، این مساله را با چالش روبرو کرد و طبعاً پاسخ گویی به آن، باعث گسترش مباحث اعجازی شد. برای اطلاعات بیشتر رک: پهلوان، منصور و شفق، سعید، (۱۳۸۸ ش)، «ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن کریم»، پژوهش های قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۲ - برای تبیین بهتر بحث در این مورد می توان به مقدمه کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر اثر حمید عنایت، ترجمه بهاء الدین خرم شاهی، شرکت سهامی انتشار خوارزمی، ۱۳۶۵ ش، صص ۴۰-۱۶، مراجعه کرد.

مشاهده کرد. گرچه با توجه به قدرت بسیار حاکمیت سیاسی علم زده، نتوانست آن را کاملاً به عقب براند و سرانجام، منفعل شد. در واقع تلاش ارزش مند نهاد دین - علی رغم ضعف نهاد قدرت سیاسی حاکم در مناطق مورد بحث و به دلایل مختلف - مسیر را تغییر داده و مسلمانان را از انفعال درآورد تا با توجه به منبع اصیل قرآن، به زعم خود به دفاع از اسلام و قرآن پردازند و در مقابل موج سهم گین علم گرایی، مقاومت کنند. بنابراین، تلاش پی گیری نهاد دین و علماء با رکود فعالیت ۳۰های صوفیه و فرقه های دیگر، توانست موجی در مباحث محتوایی اعجاز قرآن کریم بیافریند، به گونه ای که قرن سیزدهم را با یک جنبش محتوایی به پایان ببریم اما این مساله، دیری نپایید.

#### ۴- نتیجه

با توجه به مطالب گذشته می توان نتیجه گرفت که نهاد حکومت و ثبات سیاسی، نقش مهمی را در ترویج مباحث مربوط به اعجاز قرآن کریم داشته است. نکته مهم آن که در کیفیت مباحث مطرح شده، نهاد حکومت با برنامه و جهت گیری درست، بسیار حایز اهمیت است، حکومتی که حاصل هم گرایی بوده، نهضت پاسخ گویی را به درستی هدایت کرده و علماء مختلف - و در این جا علماء مربوط به دانش اعجاز قرآن کریم - را به درستی - از لحاظ مادی و معنوی - حمایت نماید. امری که در قرن مورد بحث ما بسیار ضعیف بوده است. این ضعف در ساختار سیاسی و عدم وجود هم گرایی و هدایت درست نهضت پاسخ گویی در همان درجه از حکومت سیاسی موجود در جهان اسلام و در نتیجه ضعف فکری نهادهای مذهبی جامعه، جولان تفکر صوفی گری و در نهایت هجوم بی رحمانه نهاد سیاست علم زده، اوضاع را در آستانه قرن سیزدهم به رکود می کشاند. جریان های ایجاد شده در مقابل نهاد دین، افولی را تجربه می کنند؛ اما فعالیت نهاد سیاسی علم زده و سپس حکومت سکولار تابع آن، در جغرافیای اسلامی چنان پرشتاب است که با وجود خیزش اولیه در انتهای قرن مورد بحث، نگرش نهاد علماء و حکومت دینی را نیز عوض کرده و قرن بعدی یعنی قرن چهاردهم را به افراط در مباحث اعجاز علمی و محتوایی و داشته و سمت و سوی جریان اسلامی راعوض می کند. امری که تا قرون معاصر هم منفعلانه ادامه می یابد و نهضت نوپای استقلال طلبی علماء را پس می زند در حالی که اگر، نهاد سیاسی با ثبات و مستقل برای حمایت از نهاد دین و علماء وجود داشت، می توانستیم به عدم انفعال و یا انفعال کمتر، امیدوار باشیم، گرچه همین اقدام هم آغازی برای اقدامات تحول خواهانه بعدی شد؛ مساله ای که مغفول مانده و این مقاله، تلاش کرده تا آن را تبیین نماید.

## منابع

### علاوه بر قرآن کریم

۱. اسدعلیزاده، اکبر (۱۳۸۰ش)، «سکولاریزم و اسلام»، *مبلغان*، خرداد، ش ۲۹.
۲. اسکندرانی، محمدبن احمد (۱۳۸۹ق)، *الاسرار النورانیه*، قاهره، بی نا.
۳. اسعدی، محمدوهمکاران (۱۳۸۹ش)، *آسیب شناسی جریان های تفسیری*، قم، پژوهش ۳۱ گاه حوزه و اندیشه.
۴. امینی، محمدهادی (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الفکر والادب فی النجف*، نجف اشرف، بی نا، ج ۲.
۵. آشتیانی، منوچهر (۱۳۸۴ش)، *جامعه شناسی شناخت (مقدمات و کلیات)*، تهران، قطره.
۶. آلو سی بغدادی، شهاب الدین محمودبن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی*، به کوشش عطیه، علی عبدالباری، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول.
۷. پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ش)، *تاریخ تفه سیر*، تهران، انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. پهلوان، منصور، وشفقی، سعید (۱۳۸۸ش)، «ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن کریم»، *پژوهش های قرآن و حدیث*، پاییز و زمستان.
۹. تنکابنی، میرزامحمد بن سلیمان (۱۴۱۱ق)، *توشیح التفه سیر*، به کوشش سعیدی گیلانی، جعفر، بی جا، کتاب سعیدی، چ اول.
۱۰. جعفرزاده کوچکی، علیرضا، شهریاری نسب، سروش، دهقانی، فرزاد (۱۳۹۵ش)، «بازاندیشی درحقیقت اعجاز»؛ *پژوهش های فلسفی- کلامی*، سال هفدهم، ش ۳ (پیاپی ۶۷).
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۷۸ش)، *صفویه از ظهور تا زوال*، تهران، دانش و اندیشه معاصر، چ اول.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۵ش)، *نگاهی به ادوار تمدن اسلامی*، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۰۷ و ۱۰۸.
۱۳. جعفریان، رسول (۱۳۹۸ش)، «مجادلات مذهبی قرن سیزدهم هجری: با تاکید بر تبریز بر اساس چند نسخه خطی»، *آینه پژوهش*، دوره ۳۰، ش ۱۷۶.
۱۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹ش)، *مدخل «اعجاز»*، *دایره المعارف قرآن کریم*، ج ۸، قم، بوستان کتاب.
۱۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸ش)، *مدخل «اعجاز القرآن»*، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، ج ۹.

۱۶. حائری، عبدالحسین (۱۳۶۷ش)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران، امیرکبیر.
۱۷. حسین زاده، اکرم، شریفی، محمد (۱۳۹۹ش)، «گونه‌شناسی تفاسیر عرفانی و تحلیل آنها»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال بیست و چهارم، ش سوم.
۱۸. حضرتی، حسن (۱۳۹۰ش)، *مشروطه عثمانی*، تهران، پژوهش‌کده تاریخ اسلام.
۱۹. حم صی، نعیم (۱۴۰۰ق)، *تاریخ فکرة اعجاز القرآن منذ البعثة النبویه حتى عصرنا الحاضر*، بیروت، الرساله، الطبعة الثانية.
۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵ش)، *مرزهای اعجاز*، سبحانی، جعفر، قم، موسسه امام صادق
۲۱. دیاری، محمدتقی (۱۳۸۷ش)، *درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی*، قم، دانش‌گاه قم.
۲۲. رافعی، مصطفی صادق (۱۴۲۵ق)، *اعجاز القرآن والبلاغه النبویه*، بیروت، دارالکتب ۳۲ العربی، الطبعة الثامنة.
۲۳. رشید رضا، محمد (۱۳۷۰ق)، *المنار*، قاهره، دارالمنار، ج ۱.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲ش)، *درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفه سیری*، قم، مرکز جهانی، اول.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۵ش)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن* (دو جلد)، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۶. سلانیک، مصطفی افندی (۱۳۹۰ش)، *تاریخ سلانیک*، به کوشش صالحی، نصرالله، بن ۳۲ علی، حسین، تهران، طهوری.
۲۷. سلطانی، سید علی اصغر، (۱۳۸۳ش)، *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نی.
۲۸. سیدی، سیدحسین (۱۳۹۲ش)، *سیر تاریخی اعجاز قرآن*، مشهد، دفتر تبلیغات خراسان رضوی.
۲۹. سینج، وین وو (بی‌تا)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه آذری، سهیل، تهران، کتابفروشی.
۳۰. شبر، سید عبدالله حسینی کاظمی (۱۴۱۲ق)، *صفوه التفاسیر*، قم، دارالهجره.
۳۱. شبر، سید عبدالله حسینی کاظمی (۱۳۸۵ق)، *تفه سیر ال شبر*، به کوشش حنفی داود، حامد و الرضوی، السید مرتضی، نجف اشرف، بی‌نا، الطبعة الثالثة.
۳۲. شجاعی، حسین، هوشنگی، حسین، رضایی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۴ش)، «گونه‌شناسی انتقادات بر تفسیر عرفانی و تحلیل آن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال نهم.

۳۳. شرف الدین، سیدحسین (۱۳۸۹ش)، «دین و نهادهای اجتماعی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دوم، ش ۱، (پیاپی ۵).
۳۴. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۴ش)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، افکار.
۳۵. صاحبی، محمدجواد، (۱۴۰۰ش)، *سید جمال الدین اسدآبادی؛ بنیان‌گذار نهضت احیای فکر دینی*، قم، بوستان کتاب.
۳۶. عسگری کیا، فرشاد، سیداحمدی زاویه، سیدسعید (۱۳۹۷ش)، «جستاری در نظریه تاریخ تحلیلی رابین جرج کالینگوود»؛ *تاریخ نگری و تاریخ نگاری*، پاییز وزمستان، شماره ۲۲.
۳۷. عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم (۱۳۷۳ش)، *طبقات مفسران شیعه*، قم، نویداسلام، ج ۳.
۳۸. عنایت، حمید، خرم شاهی، بهاء الدین (۱۳۶۱ش)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، تهران، خوارزمی.
۳۹. قاسم پور، محسن (۱۳۸۱ش)، *پژوهشی در جریان شناسی تفسیر عرفانی*، تهران، ثمین نوین.
۴۰. قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۲۶ش)، *تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران*، تهران، شرکت مطبوعات.
۴۱. کریمی نیا، مرتضی (۱۳۹۲ش)، «ریشه های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ش ۸.
۴۲. کوهن، تامس (۱۳۶۹ش)، *ساختار انقلابهای علمی*، ترجمه آرام، احمد، تهران، سروش.
۴۳. کوئن، بروس، (۱۳۶۹ش)، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه توسلی، غلام عباس و فاضل، رضا، تهران، سمت، چ نهم.
۴۴. لطفی، عبدالله (۱۳۹۸ش)، «بررسی و نقد انگاره اهل سنت در عدم پابندی شیعه به قرآن و تفسیر»؛ *پاسخ*، شماره ۱۴.
۴۵. لوئیس، برنارد (۱۳۶۵ش)، *استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی*، ترجمه بهار، ماه ملک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۶. محدثی، جواد (۱۳۷۵ش)، *آشنایی با علوم قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
۴۷. محمدپور، احمد (۱۳۹۲ش)، *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران، جامعه شناسان.
۴۸. مصطفوی فرد، حامد (۱۴۰۰ش)، «بازتعریف مکتب اخباری‌گری»، *کتاب قیم*، دوره ۱۱، شماره ۲۵، مهر.
۴۹. مودب، سیدرضا (۱۳۹۸ش)، *اعجاز قرآن*، قم، المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم.

۵۰. موسوی اصفهانی، سیدمحمدحسین (بی تا)، *رساله وجیزه عزیزه فی اعجاز القرآن المجید*، اصفهان، مکتبه المبین.
۵۱. مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۴ش)، *سیر نگارش های علوم قرآنی*، تهران، هستی نما.
۵۲. نظام تهرانی، نادر (۱۳۸۷ش)، *تاریخ آداب اللغة العربیه فی العصر الحدیث*، تهران، منہاج.
۵۳. فیسی، شادی (۱۳۷۹ش)، *عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم*، قم، بوستان کتاب.
۵۴. نفیسی، شادی (۱۳۹۷ش)، *جریان شناسی تفسیر علمی*، قم، پژوهش گاه حوزه و دانش گاه.
۵۵. نقوی، علی محمد (۱۳۶۱ش)، *جامعه شناسی غرب گرایی*، تهران، امیر کبیر.
۵۶. نوروزی، جمشید (۱۳۹۱ش)، *تمدن ایران در دوره صفویه*، تهران، مدرسه.
۵۷. واسعی، علیرضا، (۱۳۸۷)، «تاریخ تحلیلی به مثابه روش با تأکید بر اندیشه ابن خلدون»، *نامه تاریخ پژوهان*، زمستان، شماره ۱۶.
۵۸. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲ش)، *بارقه های آفتاب*، تهران، امیرکبیر، ج دوم.
۵۹. حبیبی، محمد مهدی، دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۳ش)، *بررسی تطبیقی اندیشه اخباریان و اصولیان درباره حجیت ظواهر قرآن و حدیث و پی آمدهای آن*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه قم، دانش کده الهیات، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۶۰. جمعی از نویسندگان (۱۴۰۰ش)، «علمای قرن سیزدهم»، ضمن پایگاه رایانه‌ای اهل بیت به نشانی: [wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com).
۶۱. جمعی از نویسندگان (۱۴۰۰ش)، «علمای قرن سیزدهم»، ضمن پایگاه رایانه‌ای ویکی فقه: به نشانی: <http://wikifeqh.ir>.
۶۲. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۹۵ش)، «چیستی تاریخ تحلیلی با تأکید بر مطالعات تاریخی اهل بیت علیهم السلام»، منتشر شده در پایگاه شخصی به نشانی: <http://www.nsfari.ir>.
۶۳. فلاح زاده، محمد هادی (۱۳۹۷ش)، «نهاد اجتماعی چیست؟»، نقش دین به مثابه یک نهاد اجتماعی در تبیین زنجان ضمن نشانی: <https://b.12694n.ir/m2>.

64. Haidar, J.I., "Impact of Business Regulatory Reforms on Economic Growth," *Journal of the Japanese and International Economies*, Elsevier, vol. 26(3), pages 285–307, Septembre 2012.